

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## مرد سیاست، تاریخ و ترجمه



کریم کشاورز، سال ۱۳۷۹ در رشت متولد شد. او اهل

گیلان و از اعضای حزب کمونیست و سپس حزب توده بود. کریم کشاورز فرزند حاج محمد وکیل التجار یزدی (تاجر ابریشم و نماینده رشت در دوره اول مجلس شورای ملی) و برادر بزرگ‌تر دکتر فریدون کشاورز (پژشک متخصص اطفال و از سران حزب توده ایران و نماینده بندر انزلی در دوره ۱۴ مجلس شورای ملی) و نیز برادر جمشید کشاورز (نوازنده و موسیقیدان) بود.

وی در سال ۱۳۳۲ به جزیره خارک تبعید شد. او در دوره تبعید خاطرات روزانه خود را تألیف کرد که حاصل آن کتاب «چهارده ماه در خارک» بود. کشاورز پس از رفع تبعید، دیگر حق کار دولتی نداشت، به همین دلیل در کنار مشاغل گوناگونی که اختیار کرد، به کار ترجمه و تألیف کتاب ادامه داد. در ۱۳۴۵، برنده جایزه بهترین کتاب سال شد. از جمله آثاری که در زمینه تاریخ ترجمه کرده می‌توان به این عناوین اشاره کرد: نهضت سرداران در خراسان، تاریخ ماد، تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸، و تاریخ اشکانیان. برخی از ترجمه‌های او در حیطهٔ ادبیات داستانی نیز عبارتند از: قهرمان دوران اثر لرمانتف، دوران کودکی نوشته ماکسیم گورکی، زار و شیکاگو به قلم مارک تواین، لبخند بخت اثر گی دوموپاسان و…

هزار سال پارسی نیز از تالیفات کشاورز است. این کتاب گزیده‌ای است از منتخبات برجسته نثر فارسی در سه جلد که جریان تکامل هزار ساله نثر فارسی را برای مخاطبان روشن می‌سازد. او چند کتاب نیز برای نوجوانان نوشته است. کریم کشاورز ۱۷ آبان ۱۳۶۵ درگذشت.

**خودزنی / محیط زیست**

## اشد مجازات را جدی بگیریم

**آرش خوزستانی**

این بازی قرار است تاکی ادامه داشته باشد؟ تعقیب و گریز شکارچیان را عرض می‌کنم. جریمه نقدی و زندان اگر قرار بود موثر واقع شود لابد تا حالا شده بود. هر روز خبری مبنی بر دستگیری یک یا چند شکارچی روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرد. ممکن نیست شکارچیان از تبعات کارشان بی‌اطلاع باشند. آنها می‌دانند که اگر گیر بیفتند حداقل باید جریمه نقدی حیواناتی را که کشته‌اند بپردازند. با این حال به کارشان ادامه می‌دهند. نمونه‌اش خبری است که چندروز پیش در پایگاه خبری دیده‌بان محیط زیست و حیات وحش ایران خواندم: در رخدادی تأثر برانگیز، شکارچیان غیر مجاز با کشتار بی‌رحمانه ۸ کل و بز و بزغاله وحشی تصویر زشتی را از رفتار غیر اخلاقی انسان با حیات وحش به نمایش گذاشته و حادثه تلخی را برای محیط زیست کشور رقم زدند».

آنطور که فرمانده حفاظت محیط زیست خراسان جنوبی گفته صبح روز ۱۲ آبان نیروهای یگان محیط زیست شهرستان سریشه در استان خراسان جنوبی حین گشت‌زنی در منطقه شکار ممنوع خاردرجان در ۵ کیلومتری مرز افغانستان متوجه صدای شلیک حدود پنج گلوله در ارتفاعات منطقه شده‌اند و به فاصله زمانی کوتاهی صدای شلیک چندین گلوله دیگر را نیز می‌شنوند. محیط‌بانان که سه نفر بوده‌اند به جست‌وجوی منطقه مشغول شده‌و پس از چندین ساعت دور بین کشی و ردزنی یک خودروی پژو پارس سفید و یک خودروی پراید نفرهای رنگ بدون سرنشین را در گوشه‌ای از منطقه می‌بینند و کمی دورتر در تنها مسیری که خودروها قادر به حرکت در آن بوده‌اند به کمین می‌نشینند. در نهایت ماموران خودروها را تقشیش می‌کنند و در بازرسی از آنها لاشه کامل و پوست کنده شده ۸ کل، بز و بزغاله وحشی به همراه یک اسلحه گلوله‌زنی برنو دور بین دار و یک اسلحه تک اول کمزشکن به همراه ۷ عدد فشنگ گلوله زنی کشف و ضبط می‌شود.

فرمانده حفاظت محیط زیست خراسان جنوبی در این باره گفته است: در این رابطه پنج شکارچی متخلف بازداشت شده وپس از تنظیم صورتجلسه و تشکیل پرونده برای رسیدگی به جرم به مراجع قضایی معرفی شدند. رئیس حفاظت محیط زیست شهرستان سریشه با عمیق توصیف نمودن این فاجعه از مقامات قضایی درخواست اشد مجازات برای متخلفان کرده است.

اما اشد مجازات برای نابودگران تنوع زیستی حیات وحش ایران چیست؟ وقتی همه این شکارچیان می‌توانند به جای تحمل دوره زندان، جزای نقدی آن‌را بپردازند، دیگر ترسی از زندان نخواهند داشت. گیرم که این افراد جریمه نقدی کشتار بی‌رحمانه حیوانات را هم پرداخت کنند. آیا پرداخت جریمه آن جانوران را زنده می‌کند؟ به گمانم سازمان محیط زیست و قوه قضاییه و نیروی انتظامی بهتر از هر کسی می‌دانند که جریمه و زندان به عنوان عامل بازدارنده چندان کارساز نیست. زندان را وقتی بشود با پول خرید دیگر تهدید به حساب نمی‌آید. وقت آن رسیده که اشد مجازات را جدی بگیریم و کسانانی را که کمر به نابودی حیات وحش ایران زمین بسته‌اند با طعم اشد مجازات آشنا کنیم. این سخن البته نافی فرهنگ‌سازی برای مقابله با پدیده شوم غیر مجاز نیست.



**فارسی را پاس بداریم**

### در نسبت ما با «نسبت به»

«نسبت به…»، یعنی در مقایسه با…، بنابراین کاربرد چنین جمله‌ای نادرست نیست:

– دماوند نسبت به الوند بلندتر است.

اما بهتر است در این جمله به جای حرف اضافه مرکب «نسبت به» از حرف اضافه کوتاه‌تر و تمام‌فارسی «از» استفاده کنیم:

– دماوند از الوند بلندتر است.

هم اصل سادگی و هم اصل گفتار عام، کاربرد «از» به جای «نسبت به» را برتری می‌بخشد.

۲. آنچه گفتیم، توصیه‌ای استحسانی و انتخاب میان درست و درست‌تر بود. اما کاربرد «نسبت به» گاه خطای محرز است و باید از آن پرهیز کامل کرد. امروزه در گونه‌ی اداری زبان نوشتار، «نسبت به» را به طور نامحدود و به جای هر حرف اضا‌ه‌ای به کار می‌برند. چنین کاربردهایی با دو اصل اساسی سادگی و گفتار عام در تناقض است؛ موجب از میان رفتن تمایز معنایی «نسبت به» و دیگر حروف اضافه می‌شود؛ باعث ابهام و پیچیدگی

|| اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۰۴ | اذان ظهر ۴۸:۱۱ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۳ | اذان مغرب: ۱۷:۲۲ |

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

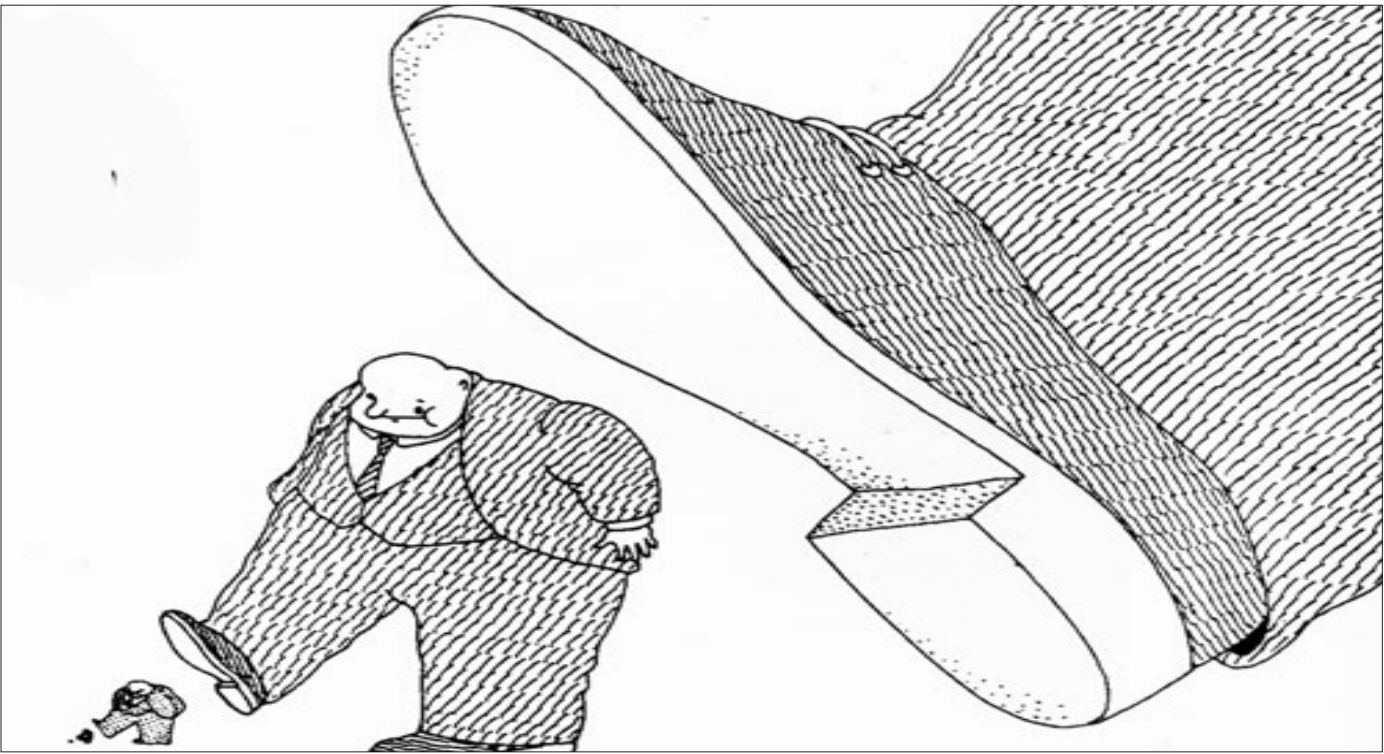
### سه‌م زنان از شهرهای ما چقدر است؟

کتاب «شهر و جنسیت» نوشتهٔ **اولا ترلیندن** به بازار کتاب آمد

اولا ترلیندن در کتاب «شهر و جنسیت» به بحث غنی ساختن ادبیات معماری و شهرسازی با دیدگاه‌های جنسیتی یا ادبیات جنسیتی موجود با موضوعات مربوط به شهر و معماری پرداخته است. این کتاب را مینوش صدوقیان‌زاده ترجمه کرده و انتشارات کلاغ آن را روانه بازار کتاب کرده است. آنچه در سال‌های اخیر یا توجه به گسترش شهرها و اهمیت مطالعه زندگی شهری مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، نابرابری‌های موجود در عرصه عمومی شهر است. فضای شهری جای کمتری برای زندگی روزمره زنان نسبت به مردان در نظر گرفته است؛ به طوری که فضای عمومی به اعتقاد برخی متفکران شهری به عنوان فضای تاخت و تاز مردان طبقه متوسط به بالا است. این بدان معناست که در بیشتر جوامع از جمله جامعه ایران، زنان به خصوص زمانی که تنها باشند، نمی‌توانند از فضاهای عمومی شهر، مانند پارک‌ها و خیابان‌ها به راحتی استفاده کنند. چرا که تصور می‌شود آنان به قلمرو فضای خصوصی تعلق دارند. همین مساله باعث شده است احساس تعلق به شهر نیز در زنان کمتر باشد. مقالات ۱۰ گانه «شهر و جنسیت» از دیدگاهی جنسیتی به بررسی جنبه‌های متفاوت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شهر می‌پردازد. مقالات کتاب حاضر، در قالب چهار فصل با عناوین جنبش زنان و فضاهای عمومی، نمادها و فضای شهری، تفاوت‌های اجتماعی و توسعه شهری و توسعه پایدار و برنامه‌ریزی منتشر شده است.

مقالات این مجموعه را نویسندگانی از کشورها و جوامع مختلف (از آمریکایگرفته‌تاتاریکه) نوشته‌اند. ناگفته پیداست معماری و شهرسازی به عنوان یک مقوله متأثر از متن اجتماعی پیوندی گسترده با فرهنگ، باورها و شیوه زندگی جوامع بشری دارد و نظر به‌های علمی قابل گزته‌برداری یک‌به‌یک برای همه جوامع و از جمله کشور ما با باورها، ارزش‌ها و مناسبات ویژه‌اش نیست. پژوهشگران در این عرصه این تجارب جهانی را باید با اندک بزر داده‌های بومی به‌کار گیرند. به گفته مترجم این

**گردش روزگار برعکس است**



**بدون شرح**

**طرح: آرستیدز هرناندز ملقب به آرس / کوبا**

**با کاروان حله / اخبار هنر**

## راست و دروغ حرف‌های ضرغامی

داود میرباقری که میهمان برنامه «هفت» بود اظهار نظر عزت‌الله‌ضرغامی در باره نمایش چهره حضرت عباس (ع) در سریال «مختارنامه» را تکذیب کرد. پیش از این ضرغامی در صفحه اینستاگرامش نوشته بود زمان فیلم‌برداری صحنه‌های مربوط به حضرت عباس (ع) در سریال «مختارنامه» به میرباقری گفته که این صحنه از تلویزیون پخش نخواهد شد. میرباقری اما جمعه شب این حرف‌ها را رد کرد و گفت

من این مطلب را اخیراً دیده‌ام و ای کاش آن موقع آقای ضرغامی به عنوان رئیس سازمان صدا و سیما چنین حرفی را به‌ام می‌زد تا فکر دیگری می‌کردیم. میرباقری گفت: «زمانی که ضرغامی سر صحنه فیلمبرداری سریال «مختارنامه» آمد ما داشتیم صحنه‌های کربلا را ضبط می‌کردیم، اما پیش از آن ما صحنه‌های مربوط به حضور حضرت عباس (ع) را ضبط کرده بودیم. من به عنوان اشناتیبون صحنه‌های مربوط به حضرت عباس (ع) را برای آقای ضرغامی و همراهانشان پخش کردم و او کتش همه‌هم مثبت بود. انگار کسی منبر رفته بود داشت در مورد آن حضرت حرف می‌زد و حاضران هم متقلب شده بودند.» ضرغامی این مطلب را زمانی نوشت که فیلم «راستاخیز» ساخته احمدرضادرویش یک روز پس از اکران توقیف شده بود. میرباقری حتی به حضور مهدی فخیم‌زاده بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون در آن دیدار اشاره کرد و گفت که فخیم‌زاده به من گفت تو به نمایش آن اسطوره مذهبی که در ذهن همه ما حضور دارد نزدیک شده‌ای. عزت‌الله ضرغامی که این روزها حساسی در اینستاگرام فعال شده هنوز واکنشی به این حرف‌ها نشان نداده است.

عزیز دار محبت که خارزاز جهان
گوش گلی بست همانا محبت است ای دوست
گرت به صحبت من روی رغبتی باشد
بیا که با تو مرا حق صحبت است ای دوست...
(سید محمدحسین بهجت تبریزی؛ شهریار / غزلیات)

### سوت بان

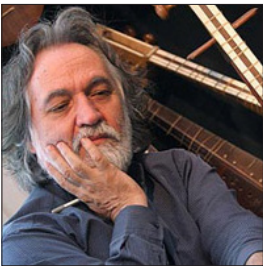


**شهر و جنسیت**
**مؤلف:** اولا ترلیندن
**مترجم:** مینوش صدوقیان‌زاده
**انتشارات کلاغ**
**شمارگان:** هزار نسخه
**قیمت:** ۱۹ هزار تومان
**صفحه** ۲۰۲

**شهر و جنسیت**

«دانشگاه بین‌المللی زنان» برگزار شد. هدف از این دوره، رشد و بهبود خودآگاهی زنان دانشگاهی و کمک به گسترش موضوعات جنسیتی در عرصه علمی بود. این دوره با دعوت از زنان دانش‌جو یا دانش‌آموخته از سراسر جهان و شرکت آنان در کارگاه‌ها و سمینارها در چندین موضوع کلی سازمان‌دهی شد. «شهر و جنسیت» یکی از این عنوان رشته‌های کلی بود که در شهر کاسل برگزار شد. مقالات این کتاب در پیوند با موضوعات مطرح‌شده در سمینارها و کارگاه‌های گروه «شهر و جنسیت» و توسط استادان این گروه نوشته شده است. پروفوسور اولا ترلیندن که ریاست گروه «شهر و جنسیت» را به عهده داشتند، ویراستاری کتاب را انجام داده و خود در تألیف آن دست دارد.

## مجید درخشانی در انتظار مجوز



مجید درخشانی درباره تازه‌ترین فعالیت‌های خود گفت: نزدیک به دو سال روی آلبومی وقت گذاشتم که تصانیف ۱۵ سال اخیرم در آن گنجانده شده و فعلاً برای اخذ مجوز در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سر می‌برد و بعد از اینکه شرکت فرهنگی هنری «رهگذر هفت اقلیم» مجوز آن را دریافت کرد روانه بازار نشر خواهد شد. درخشانی ادامه داد: در این اثر سعی کرده‌ام از حضور جوانان

با استعداد بهره‌برم در نتیجه یک شاعر جوان و یک نوازنده زهی از شهر همدان که با ساز «پس نای» که صدایی شبیه «بالایان» دارد، با من در این اثر همکاری کرده و به دونوازی پرداخته است. در واقع می‌خواستم تلاش بی‌وقفه این عزیزان تازه‌کار به گوش مردم برسد. در این آلبوم جواد بطحایی (ستور)، تکنواز، شاهو عندلیبی (نی)، مجید درخشانی (ستور) و مجتبی عسگری در خوانندگی با من همکاری دارند. وی افزود: این اثر شامل مجموعه تصانیفی است که طی ۱۵ سال اخیر ساخته‌ام. هر یک از این تصنیف‌ها متعلق به یک بازه زمانی خاص است. او ادامه داد: متناسفانه این روزها شرایط موسیقی مناسب نیست و شرکت‌ها از این هنر و الا حمایت نمی‌کنند. آلبوم که ضبط شد و به پایان رسید تازه مراحل اصلی کار شروع می‌شود. اما من خدا را شکر تواستم با شرکت «رهگذر هفت اقلیم» آشنا شوم و آنها از اثر من همه‌چانه حمایت کردند. حمید پازوکی نیز به لحاظ مالی حامی ما در امور ضبط و... بود.

مشکل جمله نخست این است که پیچیده‌تر از جمله دوم است؛ نازیباست؛ در گفتار هیچ

فارسی‌زبان متعارفی به کار نمی‌رود و معنای دقیق و درستی هم ندارد زیرا اگر بخواهیم در معنای آن دقت کنیم به چنین چیزی می‌رسیم که اصلاً منظور گوینده نبوده است؛ اگر مرا با او مقایسه کنید، او آدم بدگمانی نیست، اما من آدمی بدگمانم. نمونه‌های دیگری نیز که در ادامه می‌آوریم همین مشکلات را دارند:

–نسبت به او موضع خصمانه دارد / درباره او موضع خصمانه دارد / با او دشمن است.

–نسبت به او بی‌اعتناست / به او بی‌اعتناست.

–نسبت به این کار اقدام فرمایید / به این کار اقدام فرمایید / این کار را شروع کنید.

–بی‌توجهی نسبت به افزایش جرایم اجتماعی / بی‌توجهی / توجه نکردن به افزایش جرایم اجتماعی.

(منبع: آیین نگارش و ویرایش / ابراهیم واشقانی فراهانی)